

سبک رفتار



ضرورت اخلاق‌مداری در عصر پرچالش مدرنیته

از جاده مستقیم خوش اخلاقی حرکت کن

■ حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ*

از مهم‌ترین دلایلی که ما انسان‌ها امروزه در زندگی شخصی خود سختی می‌کشیم یا آرامش واقعی نداریم، فاصله گرفتن مان از صفات خوب اخلاقی است. اگر روحیه مدارا، صبر، گذشت، دوستی، برادری، حفظ حرمت و جایگاه یکدیگر در زندگی‌های امروز ما انسان‌ها وجود داشت، این همه مشکلات و طلاق و آسیب‌های اجتماعی و چه و چه در جامعه رخ نمی‌داد. اگر این صفات در جامعه حاکم بود، دادگاه‌ها شلوغ و زندان‌ها مملو از جمعیت نبود. اگر اخلاق در درون ما حاکم بود، پدر و مادر در حق فرزند مخصوصاً فرزند در حق پدر و مادر ظلم نمی‌کردند و حریم احترام به بزرگ‌تر حفظ می‌شد. اگر فضای اخلاقی حاکم بود، فضای مجازی که می‌تواند زمینه‌ساز خیلی فضائل شود، قتلگاه جوانان و خانواده‌ها نمی‌شد و اگر‌های زیادی که خود بخوان از این حدیث مفصل از این مجمل. بهتر است با پرداختن و توجه به اخلاق و نفس‌فشنیدن در این فضا، خود را از این منجلاب‌ها و گر داب‌های سخت دنیوی رها سازیم. در ادامه به برخی از آثار خوش اخلاقی و بد اخلاقی پرداخته‌ایم.

ضرورت اخلاق‌مداری در فضای زندگی امروزی

متأسفانه مردم آن محبت و ارتباط روزهای قبل از ورود تلویزیون و موبایل به بطن زندگی‌ها را ندارند و خلق و خوی آنان تحت تأثیر این فضاها قرار گرفته است. بنابراین نقش اخلاق و زندگی اخلاقی می‌تواند در این فضای غبارآلود بسیار نقش ارزنده و کارگشایی باشد. اگر زن و مردی بعد از شروع زندگی مشترک بخواهند در این محیطی که می‌تواند آسیب‌های زیادی را برای ارتباط برقرار کردن سازه‌زن و شوهر به همراه داشته باشد، راهشمارا ادامه دهند، باید از جاده مستقیم اخلاق عبور کنند، اما بهتر است بدانیم که انداختن خودمان در پیچ و خم دنیای مادی با این همه زرق و برق‌های ظاهری نمی‌تواند انسان را به آرامش واقعی و یک زندگی آرام برساند. از این جهت ضرورت اخلاق‌مداری بیش از پیش احساس شده و نیاز به حسن خلق و دوری از بدخلقی می‌تواند بهترین راهکار برای پیشگیری یا درمان بعضی از مشکلات امروزه در فضای زندگی مدرن و مدرنیته امروزی شود.

آدم خوش اخلاق در ختی برثمر است

وقتی رفتار و اخلاق آدمی شایسته‌باشد، میل اقصاد به معاشرت کردن و همنشینی با این فرد بیشتر می‌شود؛ چراکه اخلاق خوش مثل درختی برثمر است که همه را اطراف خود جمع می‌کند. حتی برای لحظاتی نه که شده افراد توفقی در کنار این درخت می‌کنند و از زیبایی و طراوت آن بهره می‌برند. البته علت اصلی اینکه این درخت ثمره‌دهی خوبی دارد و همه را دور خود جمع می‌کند، ریشه‌های خوب و رسیدگی به آن است. پس انسان خوش‌اخلاق دائماً مواظب رفتار و اخلاق خود بوده و اعتقاد و فکر خود را درست می‌کند. به همین خاطر افراد با اطمینان خاصی به او نگاه می‌کنند.

اصل خوش خلقی در زندگی

از اصول مهم در زندگی، اصل حسن خلق و خوش اخلاقی است. امروزه مشکلات جامعه و مسائلی که بر روح و روان افراد اثرات مختلفی گذاشته، زمینه بدخلقی و کم‌حوصلگی در مردم را بیشتر کرده است. اگر زمانی انسان‌ها با زندگی ساده و بدون هیچ تشریفاتی در کنار هم، با وجود مشکلات زمان خودشان، زمان را سپری می‌کردند و در واقع به آنچه داشتند، قانع بودند، ذهن و فکر آنان درگیر مسائلی که امروزه ایجاد شده، نبود و علاوه بر این مهم، در کنار این سیل مشکلات، آرامشی بر روح و روانشان نیز حاکم بود.

متأسفانه اما با پیشرفت علم و تکنولوژی و ورود امکانات جدید به زندگی‌ها، هر چند خیلی از مشکلات سابقی که در زندگی‌ها به وجود می‌آمد، دیگر وجود ندارد، اما در کنار آن مشکلات جدیدی نیز به وجود آمده که اگر به خوبی مدیریت نشوند، آثار بسیار مخربی بر روح و روان و زندگی ما می‌گذارد.

خارها را هم باید تحمل کرد

زن و مردی که در زندگی مشترک خود با اخلاق و رفتار شایسته با یکدیگر برخورد می‌کنند، اعتماد و محبت بیشتری به هم دارند، اما وقتی یکی از آنها از اخلاق بدی برخوردار باشد، دیگری نیز نسبت به او احساس سختی می‌کند. هر چند باید با اخلاق بد او مدارا کنند، اما برای برخورد با او باید با دقت بیشتری برخورد کند. مثل درختی که خاری هم دارد و برای استفاده از این شاخه درخت، خارهای آن را نیز باید تحمل کرد. در این باره لقمان به فرزندش فرمود: فرزند! از بی‌حوصلگی، بد اخلاقی و بی‌تالی دوری کن؛ چراکه هیچ دوستی تحمل این خصلت‌ها را ندارد. در کارهایت آرام و بردبار، در تحمل زحمات بردارنت صبور و با همه مردم خوش اخلاق باش.

مراقبت، دقت و موفقیت

از آثار مواظبت بر اخلاق و رفتار شایسته و عادت دادن خودمان به این اخلاقیات نیز این است که انسان در کارهایش زودتر به نتیجه مطلوب می‌رسد. وقتی شخصی اخلاق و رفتارش خوب باشد، این امر نشان از مراقبت و دقت او در ارتباط خود در طول روز با افراد مختلف است. وقتی کسی مواظب است که اخلاق و رفتارش شایسته باشد، طبیعتاً در کارهای روزمره نیز دقت می‌کند تا هیچ کاری از او برخلاف دستورات دین

اخلاق و رفتار خود هستند تا از نعمت محبت محروم نشوند. محبت و خوش خلقی را همراه هم می‌دانند، نه جدا از هم. وقتی این اخلاق باعث جلب محبت شد اگر احیاناً خطایی هم از یکی از آنان صادر شد، به کمک همدیگر می‌آیند و با همان خلق خوب جبران می‌کنند، دوست دارد با این دو هم‌نشین شود. امام علی (ع) می‌فرمایند: «آن که خلق نیک داشته باشد، دوستانش زیاد شود و دل‌ها به او انس و الفت گیرند.» در مقابل ترش‌رویی و تلخی افراد را از اطراف انسان پراکنده می‌کند. اعتقاد اطهار (ع) این گفته را تأیید کرده و بیانگر همین مطلب است: کارهای نیکو



وقتی رفتار و اخلاق آدمی شایسته باشد، میل افراد به معاشرت کردن و همنشینی با این فرد بیشتر می‌شود؛ چراکه اخلاق خوش مثل درختی برثمر است که همه را اطراف خود جمع می‌کند. حتی برای لحظاتی هم که شده افراد توفقی در کنار این درخت می‌کنند و از زیبایی و طراوت آن بهره می‌برند. البته علت اصلی اینکه این درخت ثمره‌دهی خوبی دارد و همه را دور خود جمع می‌کند، ریشه‌های خوب و رسیدگی به آن است. پس انسان خوش‌اخلاق دائماً مواظب رفتار و اخلاق خود بوده و اعتقاد و فکر خود را درست می‌کند



زندگی با انسان خوش‌اخلاق مثل نوشیدن جرعه گوارای آب برای انسان تشنه است. همه انسان‌ها تشنه محبت و اخلاق در زندگی هستند و چه چیزی برای یک زندگی، گواراتر از اخلاق خوش و رفتار شایسته؟! چه کسی دلنشین‌تر از انسان اخلاق‌مدار و با اخلاق؟! اما در مقابل آن بد خلقی است و وقتی بر زندگی آدمی حاکم شد، روح و روان او به هم ریخته و زندگی برایش تیره و تاری می‌شود. این فرد دیگران راهم مدام کلافه کرده و می‌آزارد. چه چیزی خسته‌کننده‌تر از این آدم بد اخلاق و قبیح‌تر از این خصوصیت نا پسند بد اخلاقی؟! از این خصوصیت نا پسند بد اخلاقی؟!

فرجام خوش‌رویی و ترش‌رویی

اخلاق خوب و شایسته باعث جلب محبت می‌شود. زن و مردی که در زندگی از خوش خلقی بهره می‌برند، همیشه به هم محبت دارند. مواظب

وقتی به دامن کوهی رفته و صدای خود را بلند می‌کنیم، انعکاس صدا به خودمان، این مطلب را منتقل می‌کند که هر چه کنی، به خود کنی! هر طور برخورد کنی، با تو همانگونه برخورد می‌شود. هر روشی به کار بردی، با تو همان روش را به کار خواهند بست. این قانون پذیرفته شده روزگار است. اخلاق و رفتار شایسته با مردم و دارا بودن از روحیه گذشت و عفو نسبت به آنان، باعث می‌شود خدای متعال نیز به ما آسان گیرند؛ چراکه مردم مخلوقات خداوند هستند و خدا نیز نسبت به اشرف مخلوقات خود و همچنین رف نیازهای ما آدم‌ها حساس است

و خوش‌رویی، جلب محبت کنند و به بهشت در آورند و نخل و ترش‌رویی و عیوس بودن، از خدا دور کنند و به دوزخ در آورند.

هر چه کنی، به خود کنی!

وقتی به دامن کوهی رفته و صدای خود را بلند می‌کنیم، انعکاس صدا به خودمان، این مطلب را منتقل می‌کند که هر چه کنی، به خود کنی! هر طور برخورد کنی، با تو همانگونه برخورد می‌شود. هر روشی به کار بردی، با تو همان روش را به کار خواهند بست. این قانون پذیرفته شده روزگار است. اخلاق و رفتار شایسته با مردم و دارا بودن از روحیه گذشت و عفو نسبت به آنان، باعث می‌شود خدای متعال نیز به ما آسان گیرند؛ چراکه مردم مخلوقات خداوند هستند و خدا نیز نسبت به اشرف مخلوقات خود و همچنین رف نیازهای ما آدم‌ها حساس است. هر کس با همنشین خود خوش خلق و خوش‌برخورد باشد و ایمان خود را حفظ کند، پروردگار جهان را نیز در زمان حسابرسی بر او آسان گیرد. امام علی (ع) می‌فرمایند: «خاقت را نیکو گردان تا خداوند حسابت را آسان گیرد.» پس اگر رفت الهی خواهیم، باید با بندگان خدا با اخلاق شایسته رفتار و زمینه‌های محبت روزافزون را فراهم کنیم.

آدمی، تشنه خوش اخلاقی است

کسانی که اخلاق نیکو دارند هر چند از نظر اعتقادی ضعف هم داشته باشند، همین اخلاق خوب‌شان باعث گره‌گشایی در دنیا شده و نسبت به دیگران برتر خواهند بود. انسان خوش خلق و خوش معاشر در دل همه جای دارد. زندگی با انسان خوش اخلاق مثل نوشیدن جرعه گوارای آب برای انسان تشنه است. همه انسان‌ها تشنه محبت و اخلاق در زندگی هستند و چه چیزی برای یک زندگی، گواراتر از اخلاق خوش و رفتار شایسته؟! چه کسی دلنشین‌تر از انسان اخلاق‌مدار و با اخلاق؟! اما در مقابل آن بد خلقی است و وقتی بر زندگی آدمی حاکم شد، روح و روان او به هم ریخته و زندگی برایش تیره و تاری می‌شود. این فرد دیگران را هم مدام کلافه کرده و می‌آزارد. چه چیزی خسته‌کننده‌تر از این آدم بد اخلاق و قبیح‌تر از این خصوصیت ناپسند بد اخلاقی؟!

برکت عمر آدمی با خوش اخلاقی

ختم کلام اینکه کسانی که از اخلاق خوش در زندگی و معاشرت با دیگران برخوردارند، یقیناً زندگی و عمر آنان با برکت‌تر است. گاهی این برکت در عمر طولانی خود را نشان می‌دهد. در روایات متعددی از آثار خوش خلق انسان، برکت در عمر یاد شده است. حال آن زن و مردی که هر دو آنها خوش اخلاقند. در حدیثی آمده: هر کس به خانواده خود نیکی کند و با آنها خوش رفتار باشد، خداوند بر طول عمرش می‌افزاید. کسانی که با زن و بچه‌هایشان خوب رفتار می‌کنند، با بچه‌ها مدارا کرده و همبازی می‌شوند، به همسرشان در امور خانه کمک می‌کنند و... اینها ۱۰۰ سال هم عمر می‌کنند. اینها تماماً امتحان شده و تجربه است. به وفور دیده شده کسانی که با زن و بچه‌هایشان خوش‌اخلاق و خوش رفتار هستند، طولانی عمر می‌کنند. در روایات نیز از این اثر به این صورت از کلام گهربار امام صادق(ع) آمده است که کسی که راستگو باشد، امعالتش نیز نیک و پاک خواهد بود، کسی که حسن نیت داشته باشد، روزی‌اش فراوان خواهد شد و کسی که به خانواده خود احسان و نیکی کند، بر عمرش افزوده می‌شود. تمام این موارد، نشانه خوش خلقی است و نتیجه این خلق خوب نیز، افزایش طول عمر آدمی است. برای طی مسیر زندگی هیچ جاده‌ای سراسر‌تر از جاده خوش اخلاقی نیست.

*پژوهشگر سبک زندگی

نگاه



تغییر عادت با تغییر شخصیت

عادت‌های درباره تو حرف می‌زنند

راهنمایی کند. هکسیس عبارت است از یک ویژگی، ظرفیت یا گرایش که کسی آن را «دارد»؛ ریشه آن در یونانی واژه اخین است که برای داشتن و مالکیت به کار می‌رود. از نظر ارسطو، شخصیت یک فرد نهایتاً عبارت است از مجموعه‌ای از هکسیس‌های او. از سوی دیگر، اتوس چیزی است که به فرد اجازه می‌دهد هکسیس را پرورش دهد. اتوس هم یک شیوه زندگی است و هم کیفیت مبنایی شخصیت فرد. اتوس سرچشمه اصول اساسی‌ای است که کمک می‌کند تا رشد اخلاقی و عقلی فرد هدایت شود. بنابراین، رسیدن به هکسیس از دل اتوس نیازمند تمرین کردن و صرف وقت است. این برداشت از «عادت» با فحوای فلسفه یونان باستان همخوان است که اغلب بر پرورش فضیلت به‌عنوان مسیری به‌سوی زندگی اخلاقی تأکید می‌کرد.

یک هزاره بعد، در اروپای دوره میانه، هکسیس ارسطو به هیئتوس لاتینی تبدیل شد. این ترجمه کوچیدن از اخلاق فضیلت باستانیان به اخلاق مسیحی را نشان می‌داد که در آن عادت، معانی ضمنی مشخصاً الهی پیدا کرد. در قرون وسطی، اخلاق مسیحی از این ایده که صرفاً به گرایش‌های اخلاقی فرد شکل بدهد، دور شد و به جای آن، کار خود را از این باور شروع کرد که شخصیت اخلاقی می‌شود. از نظر فیلسوف عصر روشنگری، هیئتوس مطلوب باید به ممارست در راه فضیلت مسیحی گره می‌خورد.

توماس آکویناس الهی‌دان، عادت را مؤلفه‌ای حیاتی در زندگی روحانی می‌دانست. چنانکه در جامع الهیات نوشته است، هیئتوس متضمن گزینشی عقلانی است و مؤمن واقعی را به معنایی از آزادی مؤمنانه رهنمون می‌شود. از نظر فیلسوف عصر روشنگری، دیوید هیوم، این تفسیرهای باستانی و میانه‌ای از عادت بیش از اندازه محدودکننده بودند. هیوم عادت را از این حیث می‌فهمید که به ما، به‌عنوان انسان، قدرت و امکان انجام دادن چه کارهایی را می‌دهد. او به این جمع‌بندی رسید که عادت «ملاط جهان» است که همه «ملکردهای ذهن... به آن وابسته است.» برای نمونه، می‌توانیم توبی را به هوا بیندازیم و نگاه کنیم که بالا می‌رود و به زمین برمی‌گردد. به وسیله عادت، به این می‌رسیم که این کنش‌ها و ادراکات، یعنی حرکت دستمان و حرکت ثوب را همانند ببینیم و این به نحوی است که ما را قادر به دریافت رابطه بین علت و معلول می‌کند. علت از نظر هیوم چندان بیشتر از همین هماپندی عادت گونه نیست؛ زبان، موسیقی و رابطه‌ها نیز همینطور است. او باور داشت هر مهارتی که از آن برای تبدیل تجربه‌ها به چیزی مفید استفاده می‌کنیم، از روی عادت ساخته می‌شود. بنابراین عادت‌ها ابزارهای حیاتی‌ای هستند که به ما امکان می‌دهند جهان را هدایت کنیم و اصول ملکرده جهان را بفهمیم. از نظر هیوم، عادت همانا «راهنمای بزرگ زندگی بشری» است.

روشن است که باید عادت‌ها را چیزی بیشتر از روال‌های روزمره و گرایش‌ها و تیک‌ها ببینیم. هویت و اخلاق ما حاطه‌شده در میان عادت‌هاست؛ اگر حرف هیوم را بقبول کنیم، این عادت‌ها هستند که جهان را سر هم نگه می‌دارند. برای اینکه بتوانیم عادت‌ها را به این شیوه جدید و در عین قدیمی ببینیم، باید یک عبقرکار تاریخی و مفهومی انجام دهیم، اما چیزی که با این دورگردان به ما می‌رسد، بسیار فراتر از خودیاری سطحی و کم‌عمق است. این نگاه به ما نشان می‌دهد کارهایی که هر روز انجام می‌دهیم، صرفاً روال‌هایی نیستند که باید ترغندی سر آنها پیاده کنیم، بلکه درپچه‌هایی هستند که از آنها می‌توانیم به نحو اجامی ببینیم واقعاً که هستیم.

نقل از ترجمان بان‌دکی تلخیص / نوشته: الیاس انتیلا / ترجمه: محمد باسط / مرجع: وب سایت ایان